

تعیین ساختار عاملی مقیاس خود افشاری هیجانی (ESDS) در دانشجویان متاهل

دکتر ابوطالب سعادت‌ی شامیر^۱

فاطمه غلامی^۲

تاریخ دریافت: 93/10/11

تاریخ پذیرش: 93/12/23

چکیده

هدف پژوهش تعیین ساختار عاملی مقیاس خود افشاری هیجانی (ESDS) در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان بجنورد بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان متاهل کارشناسی دانشگاه بجنورد در سال تحصیلی 92-93 شهر بجنورد می‌باشند که تعداد آنها حدود 6000 نفر می‌باشند. و با استفاده از فرمول جدول کرجسی و مورگان و نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای تعداد 500 نفر آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از مقیاس خود افشایی هیجانی استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و آمار استنباطی توصیفی استفاده شد. نتایج نشان داد که نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل‌های اولیه (قبل از اصلاح) برای 8 بعد پرسشنامه خود افشایی هیجانی حائز برازش مناسب با داده‌های تجربی نبودند و بنابراین اصلاح شدند و نتایج نشان داد که با اصلاح مدل‌های اندازه‌گیری اولیه، برازش آنها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت

کلید واژه‌ها: خود افشایی، خود افشایی هیجانی، مقیاس، دانشجویان متاهل

1 استادیار و عضو هیأت علمی گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران seadatee@yahoo.com

2 کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران.

مقدمه

نشان دادن صریح و محترمانه این موضوع که من که هستم و در چه موقعیتی قرار دارم و دوست دارم چطور با من رفتار شود، نشان دهنده قاطعیت در روابط است و محور آن توانایی افشای افکار، احساسات، علایق، تجارب و دیدگاه‌های خود به دیگران است. هر قدر دو طرف بیشتر رابطه خود را برای دیگری به شکل مناسبی افشا کنند، هم کدورت‌ها در رابطه زودتر از بین می‌رود و هم سوء تفاهم‌ها مرتفع می‌گردند. در مقابل، عدم افشای خود ممکن است علاقه نداشتن به ارتباط و یا ناراحتی از آن تلقی شود (تیلور و آلتمن^۱، 2001).

وارنینگ و همکاران^۲ (2008) معتقدند که خودفاش سازی از ویژگی‌های بسیار بااهمیت کارکرد روانی خوب به شمار می‌آید و در حکم نشانه سلامت شخصی و ابزاری برای کسب شخصیت سالم است. هندریک^۳ (2003) نیز در این ارتباط اظهار می‌دارد که خودافشایی وسیله‌ای برای بهبود روابط زناشویی است.

استرنیزگ^۴ (1978) در این ارتباط بیان کرده است که خودافشایی فاش کردن کلامی و غیرکلامی برخی از جنبه‌های خود ما است که دیگران بدون کمک ما نمی‌توانند به وجود آن‌ها پی ببرند یا آن‌ها را بفهمند. وی معتقد است که اگر عوامل رابطه‌ای خودافشایی را تحت تأثیر قرار دهند، آن هم به نوبه خود می‌تواند بر این عوامل اثر بگذارد. همچنین او معتقد است: همسرانی که برای یکدیگر خود را بیشتر فاش می‌سازند، از ازدواج خود رضایت بیشتری دارند.

اینکه زوجها روابطشان را چگونه تعریف می‌کنند (سطحی یا صمیمی، پایدار یا غیرقابل پیش بینی)، می‌تواند خودافشایی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، در یک رابطه پایدار و صمیمی، در مقایسه با یک رابطه سطحی و غیرقابل پیش بینی، خودافشایی عمیق تری صورت می‌پذیرد. زمان یا مدت رابطه نیز مهم است. خودافشایی نوعاً و در طول زمان، به صورت تدریجی رشد می‌کند، اگرچه گاهی رابطه‌ها سریع رخ می‌دهند و خودافشایی با سرعت رشد می‌کند (اسپرینگر و هندریچ^۵، 2004).

¹ Taylor, D. & Altman, I

² Waring, E., Holden, R., & Wesley, S.

³ Hendrick

⁴ Sternberg, R. J

⁵ Sprecher, S., & Hendrick, S

علاوه بر این کیتو¹ (2005) معتقد است در دوران رشد، خودافشایی بیشتر بخشی از زندگی زنان است تا مردان. برای مثال، به طور زیستی پذیرفته شده است که دختر بچه‌ها گریه می‌کنند و سپس درباره ناراحتی هایشان صحبت می‌کنند، در حالی که پسر بچه‌ها صبور و آرام هستند. به دلیل اینکه خودافشایی بیشتر بخشی از رشد دختران است تا پسران. از این رو، زنان در مقایسه با مردان بیشتر اجازه دارند درباره مسائل شخصی خودافشایی کنند و مردان عملاً کمتر خودافشایی می‌کنند و علاقه دارند مسائشان را در درون خود نگه دارند، در حالی که زنان ارزش زیادی برای خودافشایی قایلند و برای تکمیل رفتار رابطه‌ای مثبت، خودافشایی بیشتری را انتظار دارند. خودافشایی با جنسیت نیز رابطه دارد. یکی از مؤثرترین عوامل در خودافشایی، جنسیت است. تحقیقات متعدد نشان داده اند که زنان در مقایسه با مردان خودافشایی بیشتری دارند.

در ارتباط با خود افشایی هیجانی سولومن² (1989) معتقد است که ازدواج در بهشت یا آسمان ایجاد نمی‌شود، بلکه در تعاملات پویایی اولیه بین والدین و کودک ساخته می‌شود که مکرراً در بزرگسالی دوباره فعال می‌شود. اگرچه نگاه داشتن به عنوان پیش مرحله ای برای وظایف توسعه یافته بعدی و موفقیت در صمیمیت بزرگسالی است، اما افراد می‌توانند مسئولیت روابط شان در زمان حال را به عهده بگیرند. دلبستگی : در این مرحله کودک بین مادر و سایر افراد تمایز قائل می‌شود. قبلاً کودک فردی بود که مورد علاقه بود اما در این مرحله کودک می‌تواند به مادرش علاقه داشته باشد. رفتار دلبستگی در طول زندگی ادامه می‌یابد. افراد دلبستگی به افراد و اشیاء را در طول زندگی در تلاش برای رهایی از درد و تنهایی جستجو می‌کند. از این طریق کودک روابط اجتماعی را مطابق با انتظار پاسخ دهی و در دسترس بودن دیگران در کودکی شکل می‌دهد. همین اصل در بزرگسالی ادامه می‌یابد. شیوه دلبستگی افراد ریشه در تجربه آنان با دلبستگی اولیه شان دارد و این انتظارات روی چگونگی انتظارات افراد از روابط اثر می‌گذارد.

خودافشایی است که در ساده ترین شکل خود به روش هایی اشاره دارد که افراد اجازه می‌دهند جزئیات مربوط به زندگی آنها برای دیگران فاش شود. یعنی اطلاعاتی است که افراد درباره خودبه دیگران می‌دهند (استیبلر و فیلتو²، 2003).

¹ Kito, M

² Steeler & feeleo

هارپر و هارپر¹ (2006) می‌گویند وقتی افشای روی می‌دهد که شخص الف اطلاعاتی را آگاهانه (به گونه عمدی) درباره خود به شخص ب می‌دهد، که او به طور کلی از آنها بی‌خبر است. از سوی دیگر او معتقد است که فرآیندی که در آن اطلاعات به طور سهوی یا به اشتباه فاش شده اند، بر ملا شدن است نه خودافشایی.

از سوی دیگر استریزکی، نگوین و دورکین² (2005) معتقدند مبادله غیر اجباری اطلاعات شخصی، در جریان رابطه ای مثبت (افشا از طریق باز پرسى خود افشایی نیست) فرایندی است که از طریق آن، شخص "الف" به گونه کلامی و غیر کلامی اطلاعاتی را در مورد خودش در اختیار شخص "ب" می‌گذارد که وی پیش از آن از آنها بی‌خبر بوده است. یکی از تفاوت‌های بارز خود افشایی کلامی با خود افشایی غیر کلامی این است که فرد بر افشاهای کلامی خودش کنترل بیشتری دارد. به همین سبب یکی از راههای کشف خواسته‌ها و انگیزه‌های واقعی افراد، همین کانال غیر کلامی است: لغزشهای کلامی، لحن صدا، بازی با اشیاء، کم نگاه کردن به طرف مقابل، تکان خوردن پاها، و رفتن با خود و حرکت دادن مداوم سر.

خود افشایی توانایی افشای اسرار محرمانه و پنهانی، یک ضرورت روانشناختی یا پیش شرط زندگی روانی سالم است. افراد از طریق افشای خود، تماسهای اجتماعی صمیمانه و حمایت کننده ای را به دست می‌آورند که ادامه زندگی بدون آنها غیر قابل تحمل خواهد بود. خود افشایی یکی از مهارت‌های مهم اجتماعی است و بیش از آنچه در نگاه اول به نظر می‌آید پیچیده است. این که چه کسی می‌تواند چه چیزی را برای چه کسی و در چه مرحله ای (از مراحل رشد روابط شخصی) فاش سازد با قواعد ظریفی تعیین می‌شود. در بعضی از خانواده‌ها از افشای خود برای تشویق شریک خود به مطرح کردن اطلاعات بسیار خصوصی خود می‌پردازند. اگر شخصی در خود افشایی پیش قدم شود، دیگران را به انجام این کار تشویق خواهد کرد (واسرمن، ۳، 2005). از سوی دیگر استون⁴ (2003) بیان کرده است که خود افشایی خود بیش از هر چیز دیگر موجب خود افشایی دیگران می‌شود.»

¹ Harper and harper

² - Stritzke, W. G. K., Nguyen, A., & Durkin, K.

³ -Wasserman, E.ZBV

⁴ -Stone, B

کروس، زاک و استریکر (2005) معتقدند که به دو دلیل متخصصان بالینی باید از جزئیات خود افشایی مطلع باشند: نخست آن که، باید بدانند چه موقع برای درمانجویان خویش خود افشایی کنند. دوم آن که، از مزایای خود افشایی و روشهای تشویق درمانجویان به انجام افشاهای باز و صادقانه مطلع باشند.

خود افشایی دارای مولفه های "خود افشایی عاطفی"، "خود افشایی اطلاعاتی" و "خود افشایی ابزاری" است. خود افشایی عاطفی شامل فراهم آوردن مهر، عطوفت و توجه دیگران و قوت گرفتن از آنها تا این که فرد احساس کند انسان ارزشمندی است که مورد توجه قرار گرفته است. این نوع خود افشایی به طور طبیعی، شامل دریافت کمک هایی از خانواده، دوستان، همکاران و همسایگان یا افراد مهم صورت می گیرد و شامل ابراز عشق، عاطفه، و ارزشمند شمردن خود از طریق خود افشایی که احساس بهزیستی عاطفی ایجاد می کند (مورنو^۲، 2004؛ به نقل از آئو، 2009).

خود افشایی اطلاعاتی هنگامی رخ می دهد که فردی از طریق خود افشایی به دیگران کمک می کند تا موقعیت تنیدگی زای او را بهتر درک کند و جریان خود افشایی مشخص شود که کدام منبع و راهبرد مقابله ای می تواند برای روبرو شدن با آن، موقعیت مورد نیاز باشد. این نوع از خود افشایی شامل گرفتن و دادن راهنمایی مفید، اطلاعات یا دستورالعمل هایی برای مقابله با تغییرات مهم زندگی یا معنا بخشیدن به زندگی و دنیا است (مورنو، 2004؛ به نقل از آئو، 2009).

خود افشایی ابزاری شامل دریافت کمک های مانند خدمات، کمک های مالی، و دیگر وسایل یا کالاهای خاص از طریق خود افشایی است. هدف از خود افشایی در چنین شرایطی شامل دریافت کمک هایی است که در مواقع کمبود منابع مادی و نیاز به وجود می آیند (مانند پول، فراهم آوردن اقامتگاه، ...) و یا ممکن است شامل حل مشکلات روزانه زندگی باشد (مراقبت از کودکان، کمک در خانه، ...) (مورنو، 2004؛ به نقل از آئو، 2009).

در این راستا حمایت اجتماعی کسب شده از طریق خود افشایی به میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است که نقش آن به عنوان فرایند ضربه گیر

¹ - Kraus, R., Zack, J., & Stricker, G.

² . Moreno

استرس ۱ مطرح شده و سودمندی روانشناختی آن ممکن است ناشی از اثر بر روی ارزیابی ذهنی عوامل فشار، انتخاب شیوه‌های موثر سازگاری، احساس عزت نفس و مهارت‌های فردی باشد (کراماس، 2006).

خود افشایی رل مهمی در حفظ سلامتی افراد بازی می‌کند و در کاهش آثار منفی استرس‌های فراوانی که از محیط و جامعه کسب می‌شود و به تبع آن بر کیفیت زندگی اثر مستقیم نقش دارد و آسیب‌پذیری فرد را نسبت به استرس، افسردگی و انواع بیماری‌های روانی و جسمانی کاهش می‌دهد. در این راستا اوریت^۲ و همکاران (1985) بر این باورند که فرد بر اساس تجارب پیشین ممکن است نتیجه‌گیری نماید که از سایه خود افشایی از حمایت اجتماعی برخوردار شده است یا خیر، و چنان چه پاسخ مثبت باشد، تعامل با شبکه اجتماعی افزایش یافته و اثر منفی رویدادهای زندگی کاهش می‌یابد (به نقل از مورینو^۳ و همکاران، 2008).

خود افشایی موثر و صادقانه دارای فواید روانشناختی و جسمانی برای افرادی است که با رویدادهای فشارزای جسمی، روانی و اجتماعی مواجه می‌شوند و پژوهش‌های متعددی، ارتباط معکوس بین حمایت اجتماعی بالا و ابتلا به افسردگی را خاطر نشان کرده اند (کراماس، 2006).

پژوهش‌ها این نکته را تأیید می‌کند و نتایج نشان دهنده وجود رابطه آماری معنی دار معکوسی بین خود افشایی بالا و افسردگی بود، به طوری که با افزایش میزان خود افشایی میزان افسردگی کمتر بوده است. همچنین در رابطه با نقش خود افشایی برخی پژوهشگران در مطالعه خود عنوان کرده اند که خود افشایی رابطه معنی داری با پیش بینی سلامت روان افراد دارد (گانک سونک^۴ و همکاران، 2004؛ به نقل از مورینو و همکاران، 2008). دلنگی و هالزمن (2005) نیز به اهمیت و نقش خود افشایی در سازگاری با محیط و کاهش استرس اشاره کرده اند. نتایج همچنین نشان داد که خود افشایی موجب ارتقای سلامت روان افراد می‌شود (به نقل از دنتائی^۵، 2006).

از اواسط دهه، علاقه فزاینده‌ای در مورد نقش خود افشایی به عنوان یک منبع مقابله دیده شده است. تعدادی از پژوهشگران نشان دادند که کفایت خود افشایی به طور مستقیم با شدت گزارش نشانه‌های فیزیکی و روانشناختی در ارتباط است و یا به عنوان یک محافظ بین نشانه‌ها و رویدادهای استرس زای زندگی عمل

1 . Stress Buffering Process

2 . Ouriet

3 . Marino

4 . Gong Sonk

5 . Drentea

می‌کند (دلنگی و هالزمن^۱، 2004؛ به نقل از دهله و لاندرس، 2005هاوس^۲ چهار نوع از خود افشایی از جمله هیجانی، ارزیابی، اطلاعاتی و ابزاری را شناسایی کرد که مطالعه حاضر به دنبال مطالعه عمیق و تعیین ساختارهای عاملی خود افشایی هیجانی و هنجاریابی آن و تدوین یک پرسشنامه بومی در این زمینه است.

روش

تحقیق حاضر از لحاظ روش گرد آوری داده‌ها توصیفی و از نظر هدف تحقیق بنیادی است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان متاهل کارشناسی دانشگاههای بجنورد در سال تحصیلی 92-93 بودند که تعداد آنها حدود 6000 نفر بودند که از این بین با استفاده از فرمول جدول کرجسی و مورگان (1976) و نمونه گیری خوشه ای مرحله ای تعداد 500 نفر آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای جهت نمونه گیری استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا از بین کلیه دانشگاهها 3 دانشگاه (آزاد، پیام نورو علمی کاربردی) و از هر دانشگاه 4 رشته و از هر رشته دو ورودی (دوم و سوم) و از هر ورودی یک کلاس انتخاب شدند. سپس بعد از ارائه توضیحات لازم پرسشنامه در اختیار دانشجویان قرار گرفت و پس از پاسخ دادن و حذف پرسشنامه‌های ناقص، پرسشنامه های تکمیل شده جمع آوری شدند.

از انجایی که استاندارد سازی پرسشنامه‌ها مستلزم بررسی همبستگی بین گویه‌ها با هم و همبستگی هر گویه با همبستگی کل و تکرار پذیری نمره‌ها ی آزمون می‌باشد (هومن، 1384) از این روش استفاده شده است. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به منظور آماده سازی (ESDS) در نمونه ایرانی، این پرسشنامه ابتدا به فارسی ترجمه شد و به دنبال آن از دو متخصص زبان انگلیسی درخواست گردید که آن را به انگلیسی برگردانند. تفاوت موجود بین نسخه‌های انگلیسی و فارسی ارزیابی شده و از طریق «فرایند مرور مکرر»^۳ این تفاوت‌ها به حداقل ممکن کاهش یافت. بر این اساس، مترادف معنایی دو نسخه فارسی و انگلیسی به دقت مورد بررسی قرار گرفت. به دنبال آن چند نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه روایی محتوا و تطابق فرهنگی این پرسشنامه را تایید کردند. در ادامه پس از آماده شدن ابزار، با

¹ . Delngy & Halzmn

² . House

³ - iterative review process

انجام نمونه‌گیری، نمونه مورد نظر انتخاب شد و (ESDS) به طور گروهی و در دانشگاه‌های مورد نظر به دانشجویان ارائه شد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و قبل از پاسخ به سوالات، نکات لازم (دستورالعمل‌ها) را با صدای بلند برای دانشجویان قرائت شد و از آنها تقاضا شد که به تمام سوالات پاسخ دهند. در نهایت، پس از گردآوری داده‌ها و ورود آنها به رایانه، با توجه به اهداف مطالعه حاضر، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل^۱ LISREL و SPSS انجام شد.

6-3- روش تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از دو روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و آمار استنباطی توصیفی و تحلیل شد. جهت پاسخگویی به سوال اول و تعیین ساختار عاملی و روایی سازه مقیاس فوق از تحلیل عاملی تاییدی از روش حداکثر احتمال برای برآورد الگو، و از برخی شاخصهای دیگر برای برازش الگو استفاده شد. هو و بتلر^۲ (1999, 1995) اشاره می‌کنند که شاخصهای چندگانه‌ای ارزیابی جامعی از برازش الگو ارائه می‌دهند. در این پژوهش، شاخص مجذور خی^۳ (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای^۴ (CFI)، شاخص نیکویی برازش^۵ (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^۶ (AGFI)، باقیمانده مجذور میانگین^۷ (SRMR) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۸ (RMSEA) گزارش شده است. اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد بر برازش مناسب الگو دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگتر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازش الگو تلقی نمی‌گردد (کوینتانا و ماکسول^۹، 1999). گیلز^{۱۰} (2002) خاطرنشان می‌سازد که اگر نسبت χ^2/df بزرگتر از 3 باشد برازش قابل قبولی را نشان نمی‌دهد. مقدار بزرگتر از 0/90 برای شاخصهای CFI، GFI، AGFI (بیرن^{۱۱}، 1994) و مقدار کوچکتر از 0/06 برای شاخصهای RMSEA و SRMR (هو و

1- linear Structural Relations

2- Hu & Bentler

3- Chi Square

4- Comparative Fit Index (CFI)

5- Goodness of Fit Index (GFI)

6- Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

7- Root Mean Square Residual (RMSR)

8- Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

9- Quintana & Maxwell

10- Giles

11- Byrne

بنتلر، 1999؛ مک کلام، براون و سوگاوارا¹، 1996) بر برازش مناسب و مطلوب دلالت دارند. جهت پاسخگویی به سوال دوم و بررسی پایداری ابزار فوق از روش همسانی درونی (آلفای کرانباخ) و اعتبار مرکب استفاده شد و جهت پاسخگویی به سوال سوم و تعیین تفاوت خودافشایی هیجانی و خرده مولفه‌های آن با جنسیت از تحلیل واریانس چند متغیره (Manova) استفاده شد.

تعداد کل دانشجویان زن متاهل شهر بجنورد 220 نفر و تعداد کل دانشجویان مرد متاهل شهر بجنورد 161 نفر بودند که از این تعداد دانشجویان زنبه تفکیک دانشگاه محل تحصیل عبارتند از آزاد بجنورد 89 نفر، پیام نور 81 نفر و دانشگاه علمی کاربردی بهزیستی 50 نفر که مجموعاً 220 نفر بودند و تعداد دانشجویان مرد به تفکیک دانشگاه محل تحصیل عبارتند از آزاد بجنورد 61 نفر، پیام نور 60 نفر و دانشگاه علمی کاربردی بهزیستی 31 نفر که مجموعاً 161 نفر بودند که میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره به تفکیک دانشگاهها و زن و مرد گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول می‌توان دریافت که در مجموع تعداد زنان بیش از مردان بوده و زنان میانگین بالاتری هم نسبت به مردان دارند. در ادامه نتایج پژوهش حاضر به تفکیک سوالات پژوهش ارائه می‌شود.

مقیاس خود افشایی هیجانی با استفاده از تحلیل عامل تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. در این روش، هر یک از گویه‌ها به عنوان نشانگرها یا متغیرهای مشاهده شده، هر یک از 8 مقیاس به عنوان متغیرهای مکنون وارد معادله شدند. برای بررسی هر یک از این مدلها، در گام نخست، ابتدا برازش مدل تدوین شده اولیه بررسی شد. سپس با استفاده از شاخص‌های اصلاح، مدل اولیه با اضافه کردن چند کوواریانس خطا مورد بازنگری قرار گرفت و برازش مدل اصلاح شده بررسی شد. جدول 4-2 و جدول 4-3 شاخصهای برازش مدل اولیه و مدل اصلاح شده را برای 8 بعد خود افشایی هیجانی را نشان می‌دهد. به منظور بررسی میزان برازش² این مدل‌های اندازه‌گیری با داده‌های تجربی، از 10 شاخص مطرح شده در قسمت قبل استفاده شد.

¹- MacCallum, Brown & Sugawara

² . Fitness

جدول 4-2- شاخص‌های برازش مدل‌های اولیه (قبل از اصلاح) برای 8 بعد خود افشایی هیجانی

شاخصهای دیگر			شاخصهای مقایسه‌ای			شاخصهای مطلق						ساختار 8 عاملی
SR MR	RM R	RMS EA	CFI	TLI	NFI	AG FI	GFI	K ² / df	Df	P	K ²	
/095 0	0/17	0/10	0/68	0/69	0/64	0/79	0/84	5/06	229	0/00	653	افسردگی
/081 0	0/16	0/081	0/81	0/74	0/73	0/83	0/81	3/49	229	0/00	451/5	شادکامی
/078 0	0/13	0/084	0/85	0/82	0/81	0/84	0/88	3/71	229	0/00	479	حسادت
0/11	0/19	0/12	0/65	0/67	0/61	0/76	0/83	5/20	229	0/00	671/8	اضطراب
/083 0	0/14	0/10	/81	/77	0/78	0/80	0/85	4/76	229	/00	615	خشم
/090 0	0/15	0/10	0/62	0/62	0/62	0/72	0/82	5/22	229	0/00	651	آرامش
/083 0	0/16	0/081	0/82	0/78	0/76	0/85	0/88	3/49	229	0/00	453/6	بی علاقگی
/073 0	0/14	0/082	0/81	0/81	0/83	0/85	0/86	3/73	229	0/00	480	ترس

با نگاهی اجمالی به این شاخصها و مقایسه آنها با دامنه بحرانی آنها (به قسمت قبل رجوع کنید) در میابیم که این مدلها حائز برازش مناسب با داده‌های تجربی نیستند و بنابراین نیاز به اصلاح دارند. به همین منظور، با توجه به شاخصهای اصلاح موجود در برون داد لیزرل، بهترین اصلاحیه‌ها انجام شد. جدول 4-3 شاخصهای برازش مدل‌های اصلاح شده برای 8 بعد خود افشایی هیجانی را نشان می‌دهد.

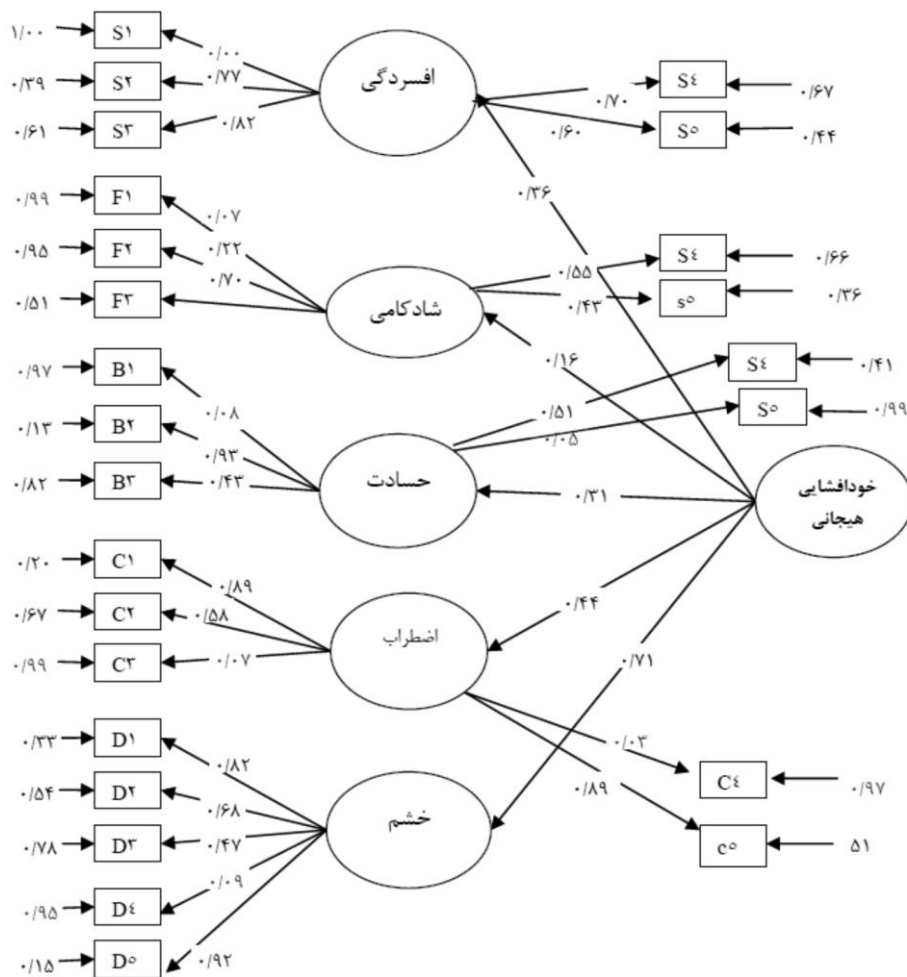
جدول 4-3- شاخص‌های برازش مدل‌های نهایی (بعد از اصلاح) برای 8 بعد خود افشایی هیجانی

شاخصهای دیگر			شاخصهای مقایسه‌ای			شاخصهای مطلق						ساختار 8 عاملی
SRM R	RM R	RMSE A	CFI	TLI	NFI	AGFI	GFI	K ² /df	Df	P	K ²	
/075 0	0/13	0/069	0/88	/85 0	0/84	0/87	0/91	2/82	115	/00 0	/3 325	افسردگی
/068 0	0/13	0/062	0/89	/87 0	0/84	0/89	0/92	2/45	123	/00 0	/2 302	شادکامی

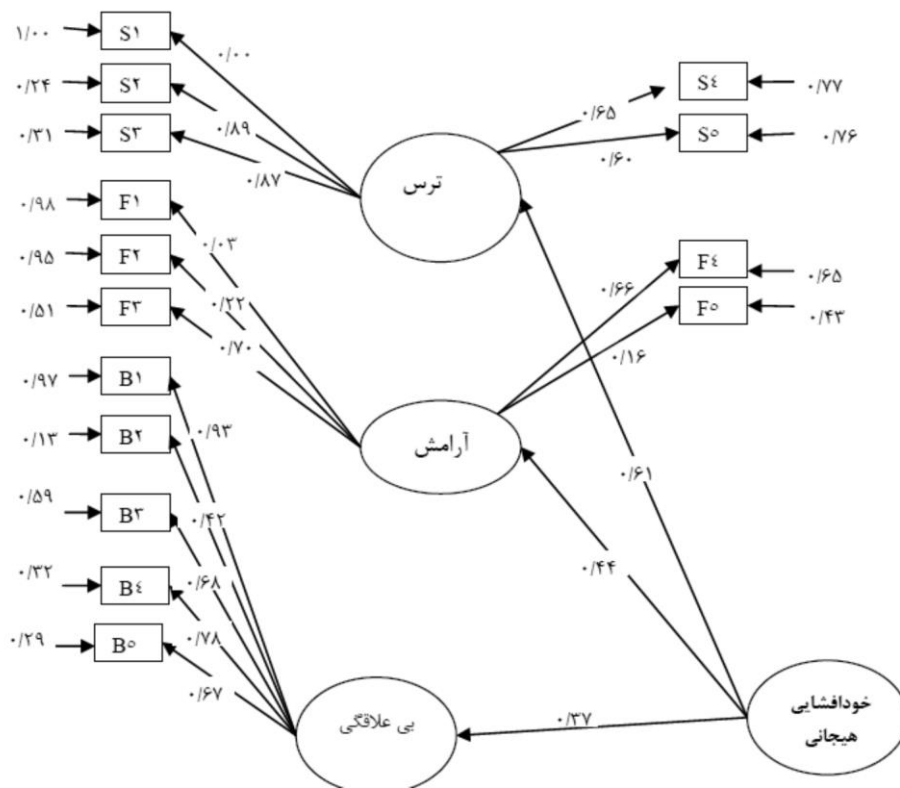
0/061 0	0/11	0/052	0/94	0/91 0	0/89	0/91	0/94	2/1	98	0/00 0	0/19 205	حسادت
0/083 0	0/15	0/079	0/85	0/79 0	0/81	0/84	0/88	3/14	113	0/00 0	0/15 355	اضطراب
0/044 0	0/076 0	0/050	0/95	0/93 0	0/92	0/90	0/94	2/11	107	0/00 0	0/226	خشم
0/074 0	0/14	0/063	0/88	0/85 0	0/83	0/83	0/97	2/87	117	0/00 0	0/17 327	آرامش
0/060 0	0/13	0/061	0/83	0/87 0	0/83	0/83	0/97	2/47	127	0/00 0	0/17 301	بعی علاقگی
0/063 0	0/14	0/054	0/94	0/91 0	0/89	0/93	0/97	2/7	97	0/00 0	0/17 204	ترس

نتایج جدول شماره 4-3 نشان می‌دهد که گرچه شاخص‌های دو برای تمامی 8 مدل نهایی معنادار است، اما بخاطر حساس بودن این شاخص به تعداد نمونه و بالا بودن حجم نمونه‌ی این پژوهش، عدم معناداری شاخص‌های دو امری دور از ذهن نیست و نمی‌تواند شاخص مناسبی برای تعیین میزان برازش مدلها باشد. با این وجود، تمامی 9 شاخص دیگر برای این ساختارها در حد مطلوبی هستند (با توجه به محدوده شاخصها، ذکر شده در بالا). گذشته از این، این نتایج نشان دادند که با اصلاح مدل‌های اندازه‌گیری اولیه، برازش آنها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. برازش مطلوب مدل‌های اصلاح شده، نشان‌دهنده تأیید ساختار عاملی و روایی سازه‌ی خود افشایی هیجانی است.

در گام بعدی، شکل‌های 4-1 و 4-2 شاخص‌های تحلیل عاملی مربوط به مدل خود افشایی هیجانی را نشان می‌دهد. این شاخص‌ها که به صورت گرافیکی ارائه شده‌اند عبارتند از بارهای عاملی (پیکان یکطرفه از بیضی به سمت مستطیل) و معناداری بار عاملی هر سوال بر روی متغیر مربوط به خود (رنگ قرمز به معنای عدم معناداری)، باقیمانده یا خطا (پیکان یکطرفه از مستطیل به بیضی).



شکل 4-1 شاخص‌های تحلیل عاملی مربوط به مدل خود افشایی هیجانی



شکل 2-4 شاخص‌های تحلیل عاملی مربوط به مدل خود افشایی هیجانی

همان‌طور که در شکل شماره 1-4 و 2-4 مشاهده می‌شود، از بین 40 گویه مربوط به زیرمقیاس های خود افشایی هیجانی 9 گویه دارای بار عاملی غیر معنادار حذف و 31 گویه دارای بار عاملی معنادار باقی ماندند. از بین گویه‌های حذف شده 1 گویه مربوط به افسردگی، 1 گویه مربوط به شادکامی، 2 گویه مربوط به حسادت و 1 گویه مربوط به اضطراب و 1 گویه مربوط به آرامش بودند و تمام گویه‌های خرده مقیاس بی‌علاقگی دارای بار عاملی معنادار بودند. نتایج شاخص پایایی و آلفای کرونباخ، که جهت سنجش پایایی سوالات باقیمانده به کار رفتند نشان دادند که عوامل فوق دارای پایایی مناسبی هستند.

در گام بعدی، همبستگی بین 8 بعد خود افشایی هیجانی (متغیرهای مکنون) با استفاده از نرم افزار لیزرل 8/80 مورد بررسی قرار گرفت. جدول 4-4 نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد

جدول 4-4- نتایج حاصل از بررسی همبستگی بین 8 بعد خود افشایی هیجانی

متغیرها	1	2	3	4	5	6	7	8
1-افسردگی								
2-شادکامی	0/52**							
3-حسادت	0/71**	0/60**						
4-اضطراب	0/43**	0/22**	0/36**					
5-خشم	0/76**	0/19**	0/79**	0/22**				
6-آرامش	0/34**	0/23**	0/71**	0/19**	0/67**			
7-بی‌علاقگی	0/64**	0/36**	0/31**	0/23**	0/43**	0/50**		
8-ترس	0/32**	0/23**	0/67**	0/37**	0/57**	0/60**	0/66**	

همانطور که در جدول 4-4 ملاحظه می‌شود، تمامی ابعاد مکنون و متغیرهای مشاهده شده با یکدیگر دارای همبستگی معنادار متوسط به بالا هستند .

جدول 4-5 نتایج حاصل از بررسی پایایی ابعاد خودافشایی هیجانی

تعداد گویه	پایایی همسانی درونی	شاخص پایایی مرکب (CRI)
5	0/72	0/93
5	0/73	0/90
5	0/80	0/78
5	0/65	0/70
5	0/83	0/94
5	0/91	0/71
5	0/72	0/73
5	0/81	0/97

نتایج حاصل از بررسی پایایی مرکب برای عوامل هشتگانه نشان می‌دهد که این ضریب در دامنه 0/70 تا 0/94 قرار دارد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب برای این عوامل است (کلانتری، 1388).

همچنین، نتایج حاصل از بررسی همسانی درونی این 8 زیرمقیاس نشان می‌دهد که این ضرایب در دامنه 0/65 تا 0/83 قرار دارد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب برای این عوامل است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که شاخص‌های برازش مدل‌های اولیه (قبل از اصلاح) برای 8 بعد پرسشنامه خود افشایی هیجانی حائز برازش مناسب با داده‌های تجربی نبودند و بنابراین اصلاح شدند و نتایج نشان داد که با اصلاح مدل‌های اندازه گیری اولیه، برازش آنها به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت. در گام بعدی، شاخص‌های تحلیل عاملی مربوط به مدل‌های پنجگانه 8 عاملی پرسشنامه خود افشایی هیجانی شامل بارهای عاملی و معناداری بار عاملی هر سوال بر روی متغیر مربوط به خود، باقیمانده یا خطا و وزن رگرسیونی متغیرهای مکنون مرتبه اول بر روی متغیر مکنون مرتبه دوم اندازه گیری شدند

نتایج نشان داد که تمامی گویه‌های زیرمقیاس افسردگی، به جز گویه S1، که در پرسشنامه اولیه اولین گویه محسوب می‌شود (زمانی که شما احساس افسردگی دارید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. اما تمامی گویه‌های زیرمقیاس شادکامی، به جز گویه f1، که در پرسشنامه اولیه، گویه 34 محسوب می‌شود (زمانی که شما شاد هستید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. تمامی گویه‌های زیرمقیاس حسادت، به جز گویه B1، که در پرسشنامه اولیه، گویه 35 محسوب می‌شود (زمانی که شما خشن هستید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. همچنین تمام ی گویه‌های زیرمقیاس اضطراب، به جز گویه‌های c4 و c3، که در پرسشنامه اولیه، گویه‌های 35 محسوب می‌شود (زمانی که شما احساس غمگینی دارید و زمانی که شما رنج می‌برید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. تمامی گویه‌های زیرمقیاس خشم، به جز گویه D4، که در پرسشنامه اولیه، گویه 13 محسوب می‌شود (زمانی که شما احساس خشمگینی دارید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. تمامی گویه‌های زیرمقیاس ترس، به جز گویه 1s، که در پرسشنامه اولیه، گویه 40 محسوب می‌شود (زمانی که شما هوشیار هستید) بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود دارند. نهایتاً تمامی گویه‌های زیرمقیاس آرامش دارای بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود بودند و حذف نشدند.

از این رو از جمع 40 گویه مربوط به زیرمقیاس های خود افشایی هیجانی 9 گویه دارای بار عاملی غیر معنادار حذف و 31 گویه دارای بار عاملی معنادار باقی ماندند. از بین گویه های حذف شده 1 گویه مربوط به افسردگی، 1 گویه مربوط به شادکامی، 2 گویه مربوط به حسادت و 1 گویه مربوط به اضطراب و 1 گویه مربوط به آرامش بودند و تمام گویه های خرده مقیاس بی علاقه گری دارای بار عاملی معنادار بودند. نتایج شاخص اعتبار مرکب و آلفای کرونباخ، که جهت سنجش پایایی سوالات باقیمانده پرسشنامه خود افشایی هیجانی به کار رفتند نشان دادند که نشان دادند که عوامل فوق دارای پایایی مناسبی هستند.

این مقیاس برای سنجش خود افشایی هیجانی طراحی شده است. نتایج نشان داد که مقیاس خود افشایی هیجانی برای دانشجویان متاهل دارای ویژگی های روان سنجی¹ مناسبی برای هدف فوق بوده است. در واقع ارزش های ویژه خرده مقیاس های خود افشایی هیجانی در مجموع رضایت بخش است. و دارای پایایی مناسبی می باشد.

¹Psychometric properties

- Augustine, St. (1943). *The confessions*. New York: Liveright. (Original work written 397-401)
- Britt, T. W. (1992). The self-consciousness scale: On the stability of the three-factor structure. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 748-755.
- Brown, R. E. (1997). *An introduction to the New Testament*. New York: Doubleday.
- Calvin, J. (1960). *Institutes of the Christian religion*. Philadelphia: Westminster Press. (Original work published 1559)
- Descartes, R. (1968). *Discourse on method*. In F. E. Sutcliffe (ed.), *Discourse on method and the meditations* (pp. 25-91). New York: Penguin. (Original work published 1637)
- Ghorbani, N., & Watson, P. J. (2004). Two facets of self-knowledge, the five factor model, and promotions among Iranian managers. *Social Behavior and Personality*, 32, 769-776.
- Ghorbani, N., Bing, M.N., Watson, P. J., Davison, H. K., & Mack, D. A. (2002). Self-reported emotional intelligence: Construct similarity and functional dissimilarity of higher order processing in Iran and the United States. *International Journal of Psychology*, 37, 297-308.
- Ghorbani, N., Ghramaleki, A. F., & Watson, P. J. (2005). Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers and students of philosophy. *The Journal of Psychology*, 139, 81-95.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Bing, M. N., Davison, H. K., & LeBreton, D. (2003). Two facets of self-knowledge: Cross-cultural development of measures in Iran and the United States. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 129, 238-268.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Krauss, S. W., Bing, M. N., & Davison, H. K. (2003). *Social Science as Dialogue: Narcissism, Individualist and Collectivist Values, and Religious Interest in Iran and the United States*. Manuscript under review

- Hadot, P. (2002). *What is ancient philosophy?* Cambridge, MA: Harvard University Press.
- James, W. (1904). *The principles of psychology*. (Vol. 1). New York: Henry Holt. (Original work published 1890)
- Jopling, D. A. (2000). *Self-knowledge and the self*. New York: Routledge.
- Kojève, A. (1969). *Introduction to the reading of Hegel*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- May, R., & Yalom, I. (1995). Existential psychotherapy. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies*. (5th ed., pp. 262-292). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Pennebaker (Ed.), *Emotion, disclosure, and health* (pp. 125-154). Washington, DC: American Psychological Association.
- Rahula, W. (1959). *What the Buddha taught*. New York: Grove Press.
- Rousseau, J-J. (1975). The creed of the Savoyard priest. In L. Bair (Ed.), *The essential Rousseau* (pp. 231-300). New York: Meridian. (Original work published 1762)
- Teresa of Avila (1979). *The interior castle*. New York: Paulist Press (Original work published 1577).
- Titmuss, C. (1998). *Light on enlightenment: Revolutionary teaching on the inner life*. London: Rider.
- Watson, P. J., Ghorbani, N., Davison, H. K., Bing, M. N., Hood, R. W., Jr., & Ghramaleki, A. F. (2002). Negatively reinforcing extrinsic personal religious motivations: Religious orientation, inner awareness, and mental health in Iran and the United States. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12, 255-276